

کتاب اقتصاد برای همه

علی سرزعی

فصل اول: سیاست‌های معطوف به رشد اقتصادی

خلاصه شده توسط امین آرامش



این خلاصه، نکاتی است که به نظر من از سایر مطالب کتاب مهمتر بودند و به هیچ وجه شما را از خواندن کل کتاب بی‌نیاز نخواهد کرد و صرفاً می‌تواند به عنوان یادآور بعد از خواندن کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

برخی تداعی‌های ذهنی‌ام را در پانویس نوشته‌ام.

شاخص سنجش اقتصاد

❖ تولید ناخالص داخلی: جمع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل یک اقتصاد در بازه زمانی مشخص (یک سال).

در این مورد:

- این متغیر قدرت تولید یک اقتصاد را نشان می‌دهد.
- کلمه کالاهای نهایی بجای واسطه‌ای برای پرهیز از بازشماری
- تولید خالص ملی: اگر بخشی که صرف جبران سرمایه و ماشین آلات می‌شود کم کنیم، تولید خالص بدست می‌آید.
- ❖ تولید ناخالص ملی: تنها تولید صرفا ایرانیان لحاظ می‌شود و تولید بیگانگان داخل ایران لحاظ نمی‌شود.
- ❖ ارزش: حاصل ضرب قیمت در مقدار کالا و خدمات نهایی تولیدشده

در این مورد:

- برای همسان‌سازی و امکان یافتن جمع، از ارزش استفاده شده به جای خود تولید
 - اشکال تورمی بودن قیمت‌ها و بالارفتن مصنوعی ارزش: مبنا قرار دادن قیمت‌های یک سال خاص که متغیر حاصل «تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت آن سال خاص» تعریف می‌شود.
 - متغیری که بر مبنای قیمت روز محاسبه شده: «تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری»
 - ❖ ارزش افزوده: میزان افزایش ارزش یک محصول در حین فرایند تولید
- تولید ناخالص داخلی از طریق جمع ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف در بخش‌های گوناگون محاسبه می‌شود.

شاخص پیشرفت

ملاک کمی و قابل استناد برای سنجش میزان و سرعت پیشرفت، «رشد اقتصادی» است.

رشد اقتصادی از محاسبه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدست می‌آید.

نکات تغییرات رشد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر^۱:

- عملکرد بسیار درخشان اقتصاد ایران در دهه ۴۰
- افزایش درآمد نفت از سال ۵۳ همزمان با جنگ اعراب و اسرائیل: یک رونق موقت و سپس کاهش رشد اقتصاد و تداوم روند کاهشی تا چند سال پس از انقلاب
- منفی شدن رشد اقتصادی پس از سال ۶۵ و ایجاد انگیزه آتش‌بس
- رشد بالای ۱۰ درصد در دوران بازسازی (سازندگی) به دلیل استفاده از ظرفیت‌های خالی و بازدهی بالای سرمایه‌گذاری

- بحران ارزی سال ۷۲ و ۷۳: رکود و رشد پایین و ادامه یافتن این روند تا سال ۸۰
- بعد از ۸۰: افزایش قیمت نفت و انجام اصلاحات ساختاری برنامه سوم و رونق اقتصاد
- کاهش نرخ رشد از سال ۸۶ علی‌رغم درآمد بالای نفت
- دوره تشدید تحریم‌ها و افت شدید رشد اقتصادی و منفی شدن آن بعد از سال ۹۱

شاخص رفاه و توسعه

❖ مفهوم توسعه پایدار: توسعه با در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی و توجه به محدود بودن منابع طبیعی

مناقشه حول مفهوم توسعه و استفاده از شاخص «درآمد سرانه» که روشن‌تر، کمی و قابل سنجش است.

❖ درآمد سرانه: درآمد ملی تقسیم بر جمعیت کشور

درآمد سرانه یک ایرانی در سال ۲۰۱۲: ۷۰۰۰ دلار، یک آمریکایی: ۴۸۰۰۰ دلار، اما میزان رفاه ۷ برابر نیست، به دلیل تفاوت قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در دو کشور

❖ کالاهای قابل مبادله: اجناسی که قابل مبادله هستند و قیمتشان تقریباً در سراسر دنیا ثابت است: لپتاپ، موبایل و ...

❖ کالاهای غیرقابل مبادله: کالاهایی مثل خانه و یا خدماتی مثل دستمزد تعمیرکار، آرایشگر و دندانپزشک که قابل مبادله نیستند، قیمت این اقلام در سراسر جهان یکسان نیست و به شکل محلی تعیین می‌شود.

سبدخانوار شامل غیرمبادله‌ایها هم هست، پس مقایسه درآمد سرانه گویای تفاوت دو کشور نیست، بنابراین از «درآمد سرانه بر اساس قدرت خرید» برای مقایسه رفاه دو کشور استفاده می‌شود.

بر اساس گزارش CIA FACT BOOK این شاخص در ایران: ۱۳۳۰۰ دلار، در آمریکا ۵۰۷۰۰ دلار، رتبه ۷۵ ایران در دنیا.

در این مورد:

- هرچه کشور فقیرتر فاصله «درآمد سرانه» و «درآمد سرانه بر اساس قدرت» خرید بیشتر است.
- با این شاخص مشخص میشود ایران جزء کشورهای در حال توسعه است و نه فقیر.
- در برنامه سوم و چهارم: برای جلوگیری از کاهش درآمد سرانه در ایران رشد ۶ و ۸ درصدی نیاز است.

در مورد تغییرات درآمد سرانه در ایران در طی سال‌های مختلف:

- افزایش درآمد سرانه همزمان با رشد اقتصادی در دهه ۴۰ و بلافاصله نزول کرد و اقتصاد ایران تاکنون به آن نرسیده
- درآمد سرانه ایران در سال ۵۷، ۲۳۰۰ دلار بوده و در سال ۸۳ نیز همین عدد بوده است.^۲

^۲ این داده‌ها بر اساس گزارش بانک داده جهانی ارائه شده و به دلیل وجود معیارهای مختلف، اعداد با اعداد ارائه شده توسط CIA FACT BOOK متفاوت است. با انتخاب هر معیار دیگر، با وجود تفاوت در اعداد، روند تغییرات به همین ترتیب خواهد بود. نکته حائز اهمیت لزوم ثابت بودن معیار در مقایسه «درآمد سرانه»

درآمد سرانه به تنهایی گویا واقعیت‌های اجتماعی نیست و شاخص توسعه انسانی تعریف شد: فاکتورهای نظیر سلامت، آموزش، توزیع درآمد و نابرابری جنسیتی در این شاخص در نظر گرفته می‌شوند. رتبه ایران در این شاخص: ۷۶

نکاتی در باب رشد اقتصادی:

- در ایران به این شاخص بها داده نمی‌شود.
- تیلورات همچون مهاجرت یا تحسین عمومی عملکرد دولت‌های دیگر، ریشه در همین عدم توجه به رشد اقتصادی دارد، حال اینکه شاهد فراقکنی دلایل این پدیده‌ها به رویدادهایی غیرریشه‌ای و غفلت یا تغافل سیاستمداران هستیم.
- تغییرات بسیار کم رشد اقتصادی (حتی در حد ۱ درصد) در درازمدت اثرات بزرگی بر اقتصاد خواهد داشت.

سیاست‌های محرک رشد

سیاست‌های داخلی

در این مورد:

- استفاده از انسان‌های غیرمتخصص منجر به عدم توجه به مسائل مهم برای رشد اقتصادی (همچون لزوم افزایش سرمایه‌گذاری) و به کار بردن حرفهای عوام‌گرایانه است.
- رشد اقتصادی همبستگی مثبت با سرمایه‌گذاری دارد، ولی صرفاً سرمایه‌گذاری کافی نیست. باید شرایطی مهیا کرد که افراد به کارآفرینی و تولید متمایل شوند.
- برای جذب سرمایه‌های کلان مردم (که اهل ریسک هستند) در بخش تولید، نیاز به توسعه بخش مالی وجود دارد. بهترین جا برای سرمایه‌های خرد مردم، همان نهادهای پولی و مالی است که ریسک کمتری دارند.
- در یک بازه زمانی ۲۰ ساله، بورس (بازار سرمایه) تعطیل بود.
- بانک‌های دولتی ناکارآمد بودند و سود منفی^۳ به سپرده‌گذاران می‌دادند.

سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی یا دولتی صورت می‌گیرد:

- هزینه‌های عمرانی یکی از مصادیق سرمایه‌گذاری بخش دولتی است.
- با بزرگ‌تر شدن دولت و افزایش هزینه‌های جاری، توان سرمایه‌گذاری دولت کاهش می‌یابد.
- در مراحل اولیه رشد، سرمایه‌گذاری دولتی در زیرساخت‌ها (ارتباطات، بهداشت، آموزش و ...) تاثیر قابل توجهی در رشد دارد.

امنیت سرمایه

اولین فاکتور در رشد اقتصادی، صیانت از حقوق مالکیت است:

- ضبط اموال افراد در اوایل انقلاب و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری در آن برهه

- شکل دیگر کاهش امنیت سرمایه‌گذاری با عناوین مبارزه با فساد و با شعارهای عجیب و غریب
- مداخله دولت در قیمت‌ها، مصداقی از به رسمیت نشناختن حق مالکیت است.
- زیر سوال بردن اعتبار شرکت‌ها با بی‌مبالاتی دولتمردان نیز، تجاوز به حق مالکیت است.
- سروکار پیدا کردن هرچه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی بزرگ‌تر با دولت به دلیل حاکمیت دولت بر اقتصاد و تبعات ناشی از آن
- به دلیل سیاسی بودن نگاه دولت به اقتصاد و دغدغه رفتار سیاسی مناسب برای فعالان اقتصادی در برهه‌های مختلف
- عدم رغبت شرکت‌ها به بزرگ شدن^۴ به دلیل مخاطرات سیاسی و از دست دادن بازدهی به مقیاس^۵
- عدم وجود فهرست افراد ثروتمند در ایران به دلیل: ۱- ترس از حساسیت حکومت ۲- وجود افراد ثروتمند که با رانت‌جویی به ثروت رسیده‌اند و تمایل به شناخته شدن ندارند.
- سیستم قضایی ناکارآمد که امکان پیگیری تضییع حقوق مالکیت را از بین می‌برد یکی دیگر از مصادیق به رسمیت نشناختن حق مالکیت توسط حاکمیت است.
- عدم صیانت از حقوق مالکیت معنوی نیز مصداق عدم توجه به حق مالکیت توسط حکومت است، اهمیت این مورد در سالهای اخیر با توجه به نقش خلاقیت و نوآوری در رشد اقتصادی دوچندان شده است.

ثبات سیاسی و سیاست‌گذاری

- نبود ثبات اقتصادی و تورم، تمایل به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.
- وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمد نفتی و قابل پیش‌بینی نبودن و نوسانات قیمت نفت (خصوصاً تا قبل از تاسیس صندوق ذخیره ارزی) موجبات نوسانات زیاد در متغیرهای اقتصادی را فراهم می‌کند.
- نوسان در سیاست‌گذاری و روشن نبودن سیاست‌های حاکمیت در سال‌های آتی هم مانع سرمایه‌گذاری می‌شود. (داستان برهم زدن مناقصه اپراتور دوم تلفن همراه با تغییر مجلس مثال واضحی از این نوسان در سیاست‌گذاری‌هاست.)
- هزینه تغییر سیاست‌ها فقط بر دوش عاملان اقتصادی است و نه حاکمیت.
- در یک کشور توسعه‌یافته، عاملان اقتصادی می‌توانند خسارات ناشی از تغییر در سیاست‌های دولت را با توجه به وجود دستگاه قضایی کارآمد، از دولت مطالبه کنند.
- پاسخگویی دولت، تنها جلسه با خبرنگاران و پاسخ‌های دوپهلوی نیست، دولت در قبال ضرر عاملین اقتصادی که ناشی از تغییر در سیاست‌های از پیش اعلام نشده هست، مسئول است و باید پاسخگو باشد.

سرمایه‌گذاری خارجی

- با توجه به پایین بودن درآمد سرانه در ایران، پس انداز بخش خصوصی کافی نیست و برای رشد اقتصادی نیاز به منابع خارجی هست.

^۴ در این زمینه، نقش عوامل فرهنگی نیز چشمگیر است، به نحوی که متأسفانه داشتن ثروت و سرمایه‌داری مغایر با اصول دینی تبلیغ شده است و در نظر عام جامعه سرمایه‌داری واژه مناسبی نیست. افسوس که این فرهنگ غلط برخلاف مشی بزرگان دینی ما صورت گرفته، چه آنکه ایشان در مواردی خود مشوق تجارت بیشتر بوده‌اند و با رجوع به صدر اسلام نمی‌توان از تاثیر سرمایه‌های بانوی بزرگ اسلام در ترویج اولیه دین چشم‌پوشی کرد.

^۵ به طور مثال با افزایش میزان تولید یک کارگاه، هزینه‌های ثابت همچون پول روشنایی محیط کارگاه بر تعداد بیشتر سرشکن شده و هزینه نهایی تولید کاهش

- نگاه ضدغربی پس از انقلاب و تلقی فروخته شدن کشور در صورت استفاده از وام‌های خارجی

استقراض خارجی

- استقراض خارجی، گرفتن وام از یک نهاد بین‌المللی و بازپرداخت اصل و بهره وام است.
- نگاه ضدغربی در این مورد نیز صادق است.
- هرچه کشور توسعه نیافته‌تر باشد و ثبات اقتصادی کمتری داشته باشد و ریسک سرمایه‌گذاری بالاتر باشد، نرخ بهره وام‌های خارجی نیز بالاتر خواهد بود.
- با بهبود رابطه با دنیا و بالاتر بردن ثبات اقتصادی-سیاسی می‌توان وام با بهره‌های کمتر و بلندمدت‌تر دریافت کرد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

- چین و کشورهای جنوب شرق آسیا با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی پیشرفت کردند.
- مزایای سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذار:
- ✓ دستمزد کم نیروی کار در کشور در حال توسعه؛ رهایی از نرخ بالای مالیات در کشورهای توسعه یافته؛ نزدیکی به بازارهای مصرف در کشورهای در حال توسعه و حذف هزینه حمل و نقل و کم شدن هزینه‌های بازاریابی.
- مزایای سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور میزبان:
- ✓ ایجاد اشتغال؛ انتقال تکنولوژی روز؛ انتقال دانش فنی و مدیریتی؛ یادگیری حین کار
- غرور کاذب ایرانی‌ها و عدم تلاش برای جذب سرمایه خارجی و عدد بسیار کم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.
- برخلاف تصورات، سرمایه‌گذاری خارجی بازی با حاصل جمع صفر نیست.

قرارداد بیع متقابل

- سرمایه‌گذاری یک شرکت خارجی و دریافت اصل و سود سرمایه خود پس از به ثمر رسیدن محصول.
- با توجه به نفع کوتاه مدت شرکت خارجی، انگیزه کمتری برای کار باکیفیت دارد، ولی در شرایطی همچون میدان‌های نفت و گاز مشترک که در حال از دست دادن سرمایه بودیم، مناسب بوده است.
- برای کشوری که فرصت سرمایه‌گذاری مناسب زیاد دارد ولی سرمایه ندارد مناسب است.

نهاده‌ها

- ❖ نهاده‌ها: امور ماندگاری که تضمین‌کننده موفقیت بلندمدت جوامع هستند و با تغییر دولت‌ها، تغییر نمی‌کنند.

در این مورد:

- یکی از مصادیق نهاد، نهاد قضا برای صیانت از حقوق مالکیت و حاکمیت قانون است.
- ترتیبات نهادی منجر به سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی شده که در بازار بین‌المللی مزیت رقابتی ندارند و تنها با سیاست‌های بسته اقتصادی توجیه‌پذیر باشند.

- ترتیبات نهادی ناکارآمد ممکن است منجر به جذب افرادی در بخش دولتی شود که کارایی لازم در بخش خصوصی را نداشته‌اند. (سفته پروری)

دیگر عوامل محرک رشد اقتصادی

تئوری رشد سولو

اگر رشد اقتصادی تنها مرهون سرمایه‌گذاری خارجی باشد، نهایتاً همه کشورهای توسعه یافته و نیافته به هم خواهند رسید و نرخ نهایی رشد اقتصادی همه صفر خواهد شد.

در کشورهای درحال توسعه نرخ رشد بیشتر است چون امکانات توسعه نیافته‌اند و سرانجام به هم می‌رسند.

تئوری‌های جدید رشد

در عمل حرف سولو نشد:

- اولین عامل بازدهی صعودی به مقیاس تحقیق و توسعه در کشورهای توسعه یافته که اثرات نزولی بودن بازدهی سرمایه در این کشورها را جبران می‌کند.
- عامل دوم سرمایه انسانی که آن هم بازدهی صعودی به مقیاس ایجاد می‌کند. از دو راه فراهم می‌شود: ۱- آموزش ۲- کسب تجربه حین عمل

عوامل شاهد نبودن افزایش بهره‌وری نیروی کار علی‌رغم فراگیر شدن تحصیلات دانشگاهی بعد از انقلاب:

- نرخ بالای بیکاری و نقش نداشتن این اقشار در تولید
- کیفیت پایین آموزش‌های این افراد
- نوع آموزش که به دلیل سیستم مدرک‌پذیر بخش دولتی، بجای فراگیری آموزش‌های کاربردی، تنها به اخذ مدرک پرداخته‌اند.
- در مجموع به رغم اهمیت مقوله تحقیق و توسعه، برای کشورهای درحال توسعه، سرمایه‌گذاری و سرمایه انسانی اهمیت و اولویت بالایی دارند. ایجاد نوآوری منوط به زیرساخت‌هایی است که جز با توسعه یافتگی فراهم نمی‌شود.

فضای کسب و کار

- صرفاً بالا و صیانت از حقوق مالکیت برای ترغیب سرمایه‌گذار کافی نیست.
- عوامل متعدد دیگری تاثیر دارند، مستندترین آنها، شاخص انجام کسب و کار است که توسط بانک جهانی اعلام می‌شود.
- سهولت یا دشواری کسب و کار از اخذ مجوزها تا ورشکستگی در نظر می‌گیرد. ایران رتبه ۱۳۰ در سال ۲۰۱۵.
- یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد رشد اقتصادی در ایران حال حاضر، بهبود فضای کسب و کار و بروکراسی حاکم بر فعالیت شرکت‌هاست.
- شاخص دیگر که کیفی‌تر است، رقابت‌پذیری است، رتبه ایران ۶۲ از ۱۴۲ کشور بر اساس این شاخص.